

نقاشان دارالفنون

میرزا مسعودخان غفاری نقاش مربی پُرکار و کم‌آوازه نقاشی مدرسه مبارکه دارالفنون

● نیایش پورحسن*

اشاره

در شماره‌های پیشین فصل‌نامه گنجینه دارالفنون، به معرفی شماری از نقاشان و هنرمندان برخاسته از مدرسه مبارکه دارالفنون پرداختیم. اینک در این شماره، به معرفی یکی دیگر از این هنرمندان می‌پردازیم که از خاندان سرشناس غفاری کاشان است. خاندان غفاری کاشان، نقاشان بسیاری را به جامعه هنری ایران معرفی کرده است و هر چند دربارهٔ صنایع‌الملک و کمال‌الملک پژوهش‌هایی صورت گرفته، اما دربارهٔ سایر نقاشان آن خاندان، غفلت‌ها و کم‌لطفی‌هایی مشاهده می‌شود. بی‌گمان میرزا مسعود غفاری نیز یکی از همین نقاشان است؛ هنرمندی که از یک‌سو در شمار مربیان نقاشی مدرسه دارالفنون قرار می‌گیرد، و از سوی دیگر، از جمله نقاشان پُرکار، ناکام و نسبتاً کم‌آوازه ایران در دورهٔ ناصری است.

میرزا مسعود از شاگردان مدرسهٔ مشیریه (۱۲۸۸-۱۲۸۹ق.) و سپس مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون بود که برای مدتی کوتاه در محضر میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی به تحصیل هنر نقاشی پرداخت.

متأسفانه نام میرزا مسعود غفاری همانند دیگر نقاشان مدرسهٔ دارالفنون، اساساً به حاشیه و محاق فراموشی سپرده شده است. امید آن می‌رود که این مقاله بتواند به گوشه‌ای از زندگانی و کارنامهٔ هنری او روشنی بخشد.

میرزا مسعود از شاگردان مدرسهٔ مشیریه (۱۲۸۸-۱۲۸۹ق.) و سپس مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون بود که برای مدتی کوتاه در محضر میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی به تحصیل هنر نقاشی پرداخت.

* پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانه تئاتر ایران

E-mail: pourhassaniayesh@gmail.com

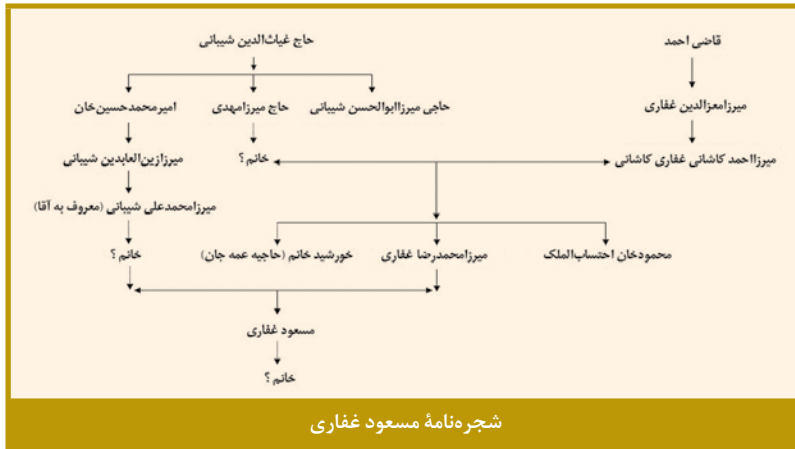
متأسفانه نام میرزا مسعود غفاری همانند دیگر نقاشان مدرسه دارالفنون، اساساً به حاشیه و محاق فراموشی سپرده شده است. امید آن می‌رود که این مقاله بتواند به گوشه‌ای از زندگی و کارنامه هنری او روشنی بخشد.

□ خانواده

میرزا محمدرضا غفاری کاشانی (رضا غفاری کاشانی)، از نقاشان، مترجمان و تحصیل کردگان ایران بود که در دوره محمدشاه قاجار به فرانسه رفت. وی هشتمین پسر میرزا احمد کاشانی غفاری؛ و عموی فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری کاشانی است. مادر و همسر میرزا محمدرضا غفاری، که در حال حاضر نامشان نامعلوم است،^۱ از خاندان شیبانی کاشان بودند.

میرزا محمدرضا غفاری پس از بازگشت از فرانسه با دختر ارشد میرزا محمدعلی شیبانی (معروف به آقا) ازدواج کرد و صاحب پسری به نام میرزا مسعود غفاری شد. همسر وی از منطقه خراسانیه بود. (سید سعید میرمحمدصادق، ۱۳۸۳: ۴۷۸).

از آن‌جا که شرح احوال و کارنامه این پدر و پسر، که هر دو نقاش بودند، در تاریخ هنر ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است، ابتدا به شرح زندگی و کارنامه میرزا محمدرضا غفاری پرداخته و سپس شرح زندگی و کارنامه میرزا مسعود غفاری ارائه خواهد شد. شجره‌نامه^۲ این خانواده بدین قرار است:



۱. ظاهراً در آن زمان رسم و عرف نبود که نام دختران به درستی در شجره‌نامه‌ها ثبت و ضبط گردد.
۲. این شجره‌نامه براساس دو منبع ذیل استخراج شد:
 - غفاری، ابراهیم (۱۳۵۳)، «تاریخچه و شجره‌خاندان غفاری کاشانی»، مجله فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۰، صص ۱۶۶-۱۶۷، ۲۰۱.
 - میرمحمدصادق، سیدسعید (به کوشش)، (۱۳۸۳)، مجیرالدوله، میرزا محمدعلی خان، طایفه شیبانی کاشان، گنجینه بهارستان، دفتر اول، تهران: مجلس، صص ۳۸۹-۴۶۹-۴۷۸.

◎ میرزا محمدرضا غفاری کاشانی

میرزا محمدرضا غفاری کاشانی (رضا غفاری کاشانی)، هشتمین پسر میرزا احمد کاشانی غفاری است. میرزا احمد غفاری، شش همسر اختیار کرد و میرزا محمدرضا از چهارمین همسر وی زاده شد که به‌خاندان شیبانی تعلق داشت.

از تاریخ تولد میرزا محمدرضا غفاری دو مدرک موجود است.

مدرک نخست: نسخه خطی ترجمه کتاب سفر در اطراف اتاق (اثر گراف اگزایوه و مستر) که در سال ۱۲۷۸ق، که توسط میرزا محمدرضا غفاری ترجمه شد و نسخه خطی آن امروزه در کتابخانه ملی ایران به شماره (۵-۱۰۱۵۲) نگهداری می‌شود. مترجم در سال ۱۲۷۸ق، هنگام ترجمه این کتاب، سن خود را چهل و شش سال ثبت کرده است؛ که با این حساب، تاریخ تولد وی ۱۲۳۲ق. می‌شود.

مدرک دوم: مربوط به خاطرات اعتمادالسلطنه است که در سال ۱۳۰۵ق، سن میرزا محمدرضا غفاری را هشتاد و پنج سال ذکر کرده است؛ که تاریخ تولد وی با استناد به نوشته اعتمادالسلطنه، سال ۱۲۲۰ق. می‌شود. (ایرج افشار، ۱۳۵۰: ۵۷۴)

از آن‌جا که نوشته خود میرزا محمدرضا غفاری مستندتر است، تاریخ تولد او را باید سال ۱۲۳۲ق. در نظر گرفت.



میرزا زمان خان، کازیمیرسکی، ملکم، میرزا رضای غفاری، فرخ‌خان امین‌الدوله، نریمان خان، نیکلا. سفارت فرخ‌خان امین‌الدوله در اروپا (۱۲۷۲ - ۱۲۷۵ق.)

میرزا رضا غفاری
از سال
۱۲۶۱ تا ۱۲۶۴ق،
در شهر پاریس
به تحصیل علوم
پرداخت

میرزا محمدرضا غفاری در سن ۲۸ سالگی، بنا دست خط محمدشاه قاجار، همراه با چهار نفر از محصلان ایرانی در تاریخ شوال سال ۱۲۶۰ق. به فرانسه اعزام شد. در متن دست خط محمدشاه درباره وی چنین درج شده است:

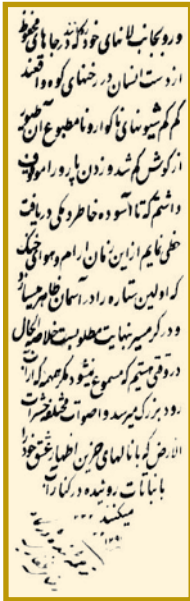
«میرزا رضا پاسقه و چیت ساختن و شکر صاف نمودن که قند بشود... چون میرزا رضا، نقاش است در نقاشی هم می‌تواند کار کند.» (محبوبی اردکانی، ۱۳۴۴: ۵۹۳ - ۵۹۵)

میرزا رضا غفاری از سال ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۴ق، در شهر پاریس به تحصیل علوم پرداخت و چون انقلاب فرانسه در سال ۱۸۴۸م. (۱۲۶۴ق.) جنبشی در فرانسه روی داد و محمدشاه قاجار نیز درگذشت، ناگزیر به ایران بازگشت.



دست خط محمدشاه قاجار برای فرستادن
پنج نفر شاگرد (من جمله میرزا رضا غفاری)
به فرانسه در سال ۱۲۶۰ق.

میرزا رضا پس از بازگشت به ایران، مدتی را به سمت مترجمی در دارالفنون سپری کرد. براساس مندرجات روزنامه وقایع اتفاقیه (نمره ۹۸، ربیع‌الاول ۱۲۶۹: ۳)؛ وی در دارالفنون



مترجم کاپیتان موسیو جوزف چرنطای (چارنوتا)^۱ نساوی (معلم علم معدن) و موسیو فکتی^۲ (معلم علم طبیعی و دواسازی) بوده است.

میرزارضا در سال ۱۲۷۲ق، با سمت مترجم اول، به همراه گروه سیاسی فرخ‌خان امین‌الدوله به ممالک اروپایی اعزام گردید و در سال ۱۲۷۵ق، به ایران بازگشت. (بنگرید به سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله کاشی به اروپا با عنوان مخزن الوقایع).

وی پس از بازگشت به ایران، مدتی را در سمت مترجمی در حضور ناصرالدین‌شاه سپری نمود و چند کتاب جالب از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرد. (فرخ‌خان امین‌الدوله کاشی، ۱۳۷۳: ۴۲۹) که عبارت‌اند از:

- ترجمه تاریخ ناپلئون، جلد چهارم، اثر لانس دوین، ترجمه بنده درگاه جهان‌پناه رضا غفاری مترجم، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، بی‌تا، ۱۱۳ صفحه.
- ترجمه روزنامه سن پترزبورگ، مترجم رضای مترجم، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، ۱۲۸۸ق.
- روزنامه‌های سن پترزبورگ و روزنامه‌های دیگر، ترجمه بنده درگاه جهان‌پناه رضای مترجم، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، ۱۸۷۴م. (۱۲۹۱ق.).
- ترجمه روزنامه‌جات وبا از روزنامه‌جات فرانسه، مترجم رضای غفاری، نسخه خطی، احتمالاً ۱۸۷۴م. (۱۲۹۱ق.).
- ترجمه روزنامه‌های فرنگ، ترجمه بنده درگاه جهان‌پناه رضای غفاری، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، احتمالاً ۱۸۷۴م. (۱۲۹۱ق.).

۱. موسیو چرنطای، چارنوتا، چارنوتا (Czarnotta)، نخستین معلم علم معدن یا معلم معدن‌چی در مدرسه مبارکه دارالفنون بود که در سال ۱۲۶۸ق، به ایران آمد و دو سال بعد در تاریخ جمادی‌الاول ۱۲۷۰ق، در تهران وفات یافت. ادوارد پولاک درباره او چنین نوشته است:

«وی که مردی مغموم و مالیخولیایی بود، می‌پنداشت که همه‌جا دشمنان و ارواح در کمین اویند. به چند سفر تحقیقاتی زمین‌شناسی دست زد و مین جمله به قلّه دماوند صعود کرد و چون از همراهان خود بیمناک بود صعود به قلّه را به تنهایی انجام داد؛ در کوه راه را گم کرد و شب را برای این که از سرما مضمون باشد در یک گودال گوگرد بسر آورد. صبح زود وی را که تقریباً بی‌جان بود یافتند، پایین آوردند و اعضای یخ‌زده بدنش را گرم کردند. بیمار به حال آمد، ولی از این حادثه به بعد قوای بدنی و دماغی او دیگر به صورت طبیعی بازنگشت. در یکی از مسافرت‌های دیگرش به معادن مس قره‌داغ (نزدیک دریای خزر) به بیماری نوبه دچار شد و با روش علاج به مثل به مداوای خود پرداخت، اما از به‌کار بردن مؤثرترین دارو که گنه‌گنه باشد غفلت ورزید و کمی پس از ورودش به تهران به بیماری تب نوبه دائم توأم با ورم کبدی دیده از جهان فرو بست. وی از شدت بدخواهی یادداشت‌های روزانه خود را با اعداد و ارقام می‌نوشت؛ مجموعه‌ای از سنگ‌های معدنی را هم که او فراهم کرده بود به وین فرستادند که به آن‌جا نرسید. مرگ وی و بیش از آن اوضاع روحیش، برای پیشرفت و موفقیت هیئت علمی ما دارای زبانی غیرقابل تخمین بود؛ زیرا او که از طرف دولت همه نوع لوازم و وسایل دریافت کرده بود می‌توانست خدمات برجسته‌ای در عرصه زمین‌شناسی ایران انجام دهد. با مفقود شدن سنگ‌های معدن، آخرین آثار فعالیت‌های او هم به کلی از بین رفت.»

۲. موسیو کوکاتی یا فکتی (Fochetti)، افسر ایتالیایی و معلم طبیعی، داروسازی، فیزیک و شیمی در نخستین دوره مدرسه دارالفنون که در سال ۱۲۶۸ق، به ایران آمد و در سال ۱۲۷۸ق، به کشورش مراجعت نمود.

- سفرنامه هندوستان (اثر مسیو لوئی روسله)، ترجمه بنده درگاه رضا غفاری، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، ۱۲۹۱ق.
- ترجمه سفرنامه دکتر ژرژ شونفورت، ترجمه کمترین جاننثار رضا مترجم غفاری کاشانی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، ۱۲۹۲ق.
- روزنامه ممریال، ترجمه چاکر درگاه جهان پناه رضا غفاری کاشانی، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، ۱۲۹۳ق.

اما معروفترین ترجمه میرزا رضای غفاری کاشانی، کتاب سفر در اطراف اتاق نوشته گراف اگزایوه دو مستر است که ترجمه آن از زبان فرانسه به فارسی در جمادی الثانی ۱۲۷۸ق، به اتمام رسید و خوشبختانه نسخه خطی آن، امروزه به شماره (۱۰۱۵۲-۵) در کتابخانه ملی ایران محفوظ است.



صفحه اول و دوم از نسخه خطی ترجمه کتاب سفر در اطراف اتاق، ترجمه میرزا رضای غفاری، ۱۲۷۸ق.

کتاب سفر در اطراف اتاق (سفر به دور اتاقم)^۱ مشهورترین نوشته زاوی دو مستر یا اگزایوه دو مستر^۲ (۱۷۶۳-۱۸۵۲م.) نویسنده، درام نویس و رمان نویس فرانسوی سده هفده

1. Voyage autour de ma Chamber (Voyage Around My Room)
 2. Xavier de Maistre

و هجدهم میلادی است که برای نخستین بار در سال ۱۷۹۴م، در انتشارات ویکتور پالم^۱ در پاریس منتشر گردید و شامل پنج داستان یا حکایت مجزا است؛ که عبارت‌اند از:

۱. سفر به دور اتاقم^۲، در چهل و دو فصل.
۲. سفر شبانه به دور اتاقم^۳، در سی و نه فصل.
۳. جذامی شهر آئوست^۴، در یک فصل.
۴. سیبری جوان یا دختر سیبریایی^۵، در یک فصل.
۵. زندانیان قفقاز^۶، در یک فصل که شخصیت‌های اصلی این داستان کاسکامبو و ایوان هستند.

میرزارضا غفاری، کتاب مزبور را در سال ۱۲۷۷-۱۲۷۸ق. ترجمه کرد که در تاریخ جمادی‌الثانی ۱۲۷۸ق. در تهران به اتمام رسید و به ناصرالدین‌شاه تقدیم نمود. وی در مقدمه این کتاب چنین نوشته است:

«بندۀ درگاه آله و غلام‌خانه‌زاد شاهنشاه جمجاه روحی و روح‌العالمین‌فداه، محمدرضا ابن میرزا احمد غفاری کاشانی که از اوان جوانی تاکنون که سنین عمرش به چهل و شش می‌رسد، نمک‌پرورده‌ی خوان عنایت و مشمول عاطفت اعلیٰ حضرت قدر قدرت بوده، چندی در پیشگاه حضور حاضر و ایامی از برای کسب علوم و دانایی زبان و حرفت و صنایع بدیعه اهالی اروپا حسب‌الامر قدر مأمور و به آن سامان مسافر بود، پس از توقف سالی سه - چهار در آن امکنه و دیار و دانستن زبان آن طایفه و آموختن بعضی از صنایع بدیعه آن طبقه بازگشت به حضرت دارالخلافه ری که به زیب وجود مبارک فخر ربع مسکون بل طعنه طن چرخ بوقلمون دست داد. چهار - پنج سال در دربار جهان‌دار خدمتگزار و ترجمه‌نگار و به رواج صنایع و حروف مستحصله مشغولی داشتم. هنگام مأموریت جناب جلالت‌مآب مجدت نصاب سفیر کبیر [فرخ‌خان] امین‌الدوله به سفارت دُول ثلثه عثمانی و فرانسه و انگلیس در سلک نایبان سفارت کبری مسلک و به آن حدود پی‌سپار شد و آنچه توانست در تتمیم زبان‌دانی و الکمال افعال حرفت در سالی که مسافرت سفیر کبیر معظم‌الیه ممتد شد معمول داشت... از جمله: مسیو غراف هاگراویه دُمستر که در سلک حکمای عهد خود و افکارش بر ادعای او شاهدست مشهود نسخه مسمی به سفر در اطراف اتاق و غیره به زبان فرانسه تألیف کرده؛ حکم قضا امضای شاهنشاهی روح‌العالمین‌فداه شرف صدور یافت که این غلام که همه روزه در حضور همایون به ترجمه‌نگاری مأمور است بدون زیاده و نقصان کلمات او را از زبان

1. Victor Palme, Libraire-éditeur
2. Voyage autour de ma Chambre
3. Voyage nocturne autour de ma Chambre
4. Le Lèpreux de la Cité d'Aoste
5. La Jeune Sibérienne
6. Les Prisonniers du Caucase

فرانسه به پارسی مترجم آید. حسب الامر قدر قدر به قدر الواسع اهتمامی که بایست در کار بست امید که پسند خاطر دریا مقاطر اولیای روزافزون و باریافتگان حضور همایون آید و اسمی از این غلام در درگاه اقدس شهریاری برده شود و این نسخه مشتمل است بر پنج کتاب. اول: مسمی به سفر در اتاق که مشتمل است بر چهل و دو فصل. دوم: مسمی به سیر شبانه اتاق که سی و نه فصل را شامل است. سوم: مریض مرض دارالفیل چهارم: محبوسین قفقاز. پنجم: جوانه سبیری.»

این کتاب پس از ترجمه به ناصرالدین شاه اهداء گردید و شاه قاجار نیز در گوشه‌ای از خاطرات خود، درباره آن چنین نوشته است:

«شب چهاردهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۸۲ [ق. ۱۲] اودئیل. در خلوت معیری باغ بیرون... امشب بعد از افطار، زیاد کسالت دست داد و کسی به حضور نیامد؛ الا معیر الممالک و یحیی خان و پیش خدمت‌ها بودند. حکیم طولوزون آمد، درس فرنگی خواندم. یحیی خان حکایت کاسکامب و ایوان را که در قفقاز اسیر شده بودند می‌خواند؛ از ترجمه کتابی که میرزارضاخان کاشی کرده بود در پنج سال قبل. معیر و حاجی میرزاعلی و غیره گوش می‌دادند.»^۱

بی‌گمان منظور از حکایت کاسکامب و ایوان، یکی از پنج داستان کتاب سفر در اطراف اتاقم با عنوان: حکایت زندانیان قفقاز است، که ژاوی دو مستر در زمان اقامتش در روسیه نوشته و خلاصه آن چنین است:

سروان کاسکامبو^۲، نجیب‌زاده روسی یونانی‌تبار است که قصد دارد به محل مأموریت خود در مرز روس برود و چون بیش از پنجاه همراه مسلح ندارد، لذا در اسارت قبیله‌ای از قفقازیان بی‌رحم درمی‌آید.

یکی از یاران وفادار او به نام ایوان اسمیرنوف^۳، جان خود را به خطر می‌اندازد تا فرمانده خود را نجات دهد. او برای نجات مافوقش تا جایی پیش می‌رود که حتی مسلمان شده و با کشتار وحشتناک عده زیادی از خانواده‌های نگهبانان قفقازی باعث رهاندن خود و سروان کاسکامبو می‌شود. کاسکامبو و ایوان پس از فرار از اسارت، به روسیه رفته و در آن جا با پشت سر گذراندن ماجراهای دیگر، به گردان محافظ یک قلعه کوچک می‌پیوندند.

این حکایت کوتاه و پرشور که دارای رگه‌هایی از رمانتیسیم فرانسوی است، تأثیر شایانی در ادبیات قرن نوزدهم روسیه برجای گذاشت. چنانچه داستان قفقازها اثر تولستوی، از جمله آثاری است که شباهت زیادی با محتوای این حکایت دارد.

۱. گرامی دوست مجید عبدالمین این سند را از کتاب مرقع ناصری (ص ۴۱۸) استخراج و پس از آن که این سند را به نگارنده معرفی نمود، مقاله‌ای با عنوان: کاسکامب و ایوان؛ معرفی و شناسایی یک حکایت گم‌نام در یادداشت‌های ناصرالدین شاه نگارش نمودیم که در کانال تلگرامی وقایع اتفاقیه منتشر گردید؛ اما هرگز به‌صورت رسمی منتشر نشد.

2. kascambo

3. Ivan Smirnoff

میرزا مسعود
غفاری از جمله
نقاشان برجسته
خاندان غفاری
کاشان به شمار
می‌رود

میرزارضا غفاری با استناد به سالنامه‌های دوره ناصری (۱۲۹۴ تا ۱۲۹۸ق.) جزء مترجمان فرانسوی دارالترجمه خاصه همایونی بود که در سال ۱۲۹۸ق. از آن‌جا خارج شد و این وظیفه پس از او با استناد به سالنامه (۱۲۹۹ق.) به میرزا عیسی‌خان سرهنگ سپرده شد.

میرزارضا غفاری پس از دوره مترجمی، چند سالی به تبریز رفت و به‌عنوان پیش‌خدمت مظفرالدین‌میرزای قاجار منصوب شد.^۱ این خدمت تا سال ۱۳۰۳ق. بیش‌تر به طول نینجامید و وی از تاریخ جمعه ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۰۳ق. دیگر به تبریز مراجعت نکرد.^۲ میرزارضا غفاری مدتی را در تهران گذراندید و در تاریخ شوال ۱۳۰۵ق. در سن هفتاد و سه سالگی، بر اثر بیماری درگذشت.^۳ او صاحب پسری به نام میرزا مسعودغفاری بود که از جمله نقاشان برجسته‌خاندان غفاری کاشان به شمار می‌رود.

● میرزا مسعود غفاری نقاش

از سرگذشت و تاریخ تولد میرزارضا غفاری نقاش، تاکنون اطلاعات کاملی در دست نیست. شواهد حاکی از آن است که وی در اوایل دهه ۱۲۷۰ق. متولد شده و مقدمات هنر نقاشی را نزد پدرش فرا گرفته است.

تحصیلات مقدماتی او در مکتب‌خانه مجانی یا همان مدرسه مشیریه، که زیر نظر اعتمادالسلطنه اداره می‌شد، انجام گرفت.

مدرسه مشیریه در تاریخ شعبان ۱۲۸۸ق. در منطقه ارگ تهران تأسیس شد و فرزندان رجال، شاه‌زادگان و صاحب‌منصبان پیش از ورود به دارالفنون، در آن به تحصیل زبان‌های خارجی و علوم مقدماتی می‌پرداختند.

میرزامسعود غفاری از جمله نخستین شاگردان این مکتب بود که نامش در تاریخ رمضان ۱۲۸۸ق. با عنوان «میرزا مسعود نقاش ولد میرزارضای عمو مترجم» در شمار شاگردان جدید آن مکتب ثبت شده است؛ شاگردانی که نزد مسیو آنتوان رجویل پروسکی خان به تحصیل زبان فرانسه می‌پرداختند.^۴ مسعود غفاری در سال ۱۲۸۹-۱۲۹۰ق. به‌عنوان شاگرد جدید نقاشی وارد مدرسه دارالفنون شد و در واپسین روزهای سال ۱۲۹۱ق. که امتحان پایانی

۱. اعتمادالسلطنه در این خصوص چنین نوشته است: «چهارشنبه ۱۰ رجب ۱۲۹۸ق. شب اندرون رفته بود. خبر دادند میرزارضای کاشی دوست هزارساله خادم و خانواده‌ام که پیش خدمت حضرت ولیعهد است تبریز بود، آمده است. بیرون رفتم. خیلی مشغوف از دیدارشان شدم. شب را با ایشان شام خوردم.» (اعتمادالسلطنه، همان: ۸۳).

۲. اعتمادالسلطنه در این خصوص چنین نوشته است: «جمعه ۱۱ ذیحجه ۱۳۰۳ق. عصر با میرزارضای کاشی که تبریز رفته است، سلطنت‌آباد آمدم.» (اعتمادالسلطنه، همان: ۴۵۵).

۳. اعتمادالسلطنه در این خصوص چنین نوشته است: «چهارشنبه ۱۶ شوال ۱۳۰۵ق. میرزارضای کاشی که نوکر ولیعهد بود، سال‌ها با من آشنا بود، به مرض اسهال چند روز قبل فوت کرد. هشتاد و پنج ساله است.» (اعتمادالسلطنه، همان: ۵۷۴).

۴. به مقاله پیشین نگارنده با عنوان تاریخچه مدارس و تشکیلات آموزشی نوین ایران در عصر سپهسالار (قسمت اول) / سرگذشت مکتب مجانی مشیریه، نخستین آموزشگاه مستقل زبان‌های خارجه در ایران، در فصل‌نامه گنجینه دارالفنون مراجعه گردد.

مدرسه دارالفنون برگزار شد، نام او نیز در میان شرکت‌کنندگان ثبت شده است. هم‌چنین نام «میرزا مسعود نقاش» در مواجب اهالی مدرسه و تلگراف‌خانه مبارکه سال تخافوی‌ئیل (جمعه اول فروردین ۱۲۵۲ خ. = ۲۰ محرم ۱۲۹۰ ق. تا شنبه اول فروردین ۱۲۵۳ خ. = ۲ صفر ۱۲۹۱ ق.) آمده است که جالب است در آن فهرست تنها نام او مطرح شده است.

میرزا مسعود غفاری در دهه ۱۲۹۰ ق، در محضر میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی در مدرسه دارالفنون به فراگیری و تکمیل اصول و فنون نقاشی پرداخت و دیری نگذشت که در مراسم سلام آن مدرسه به تاریخ شنبه ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۷ ق، با عنوان: میرزا مسعودخان ولد میرزا رضا به دریافت یک طاق شال ترمه ایرانی سرافراز گردید. (روزنامه مریخ، ۱۲۹۷: ۱-۴).

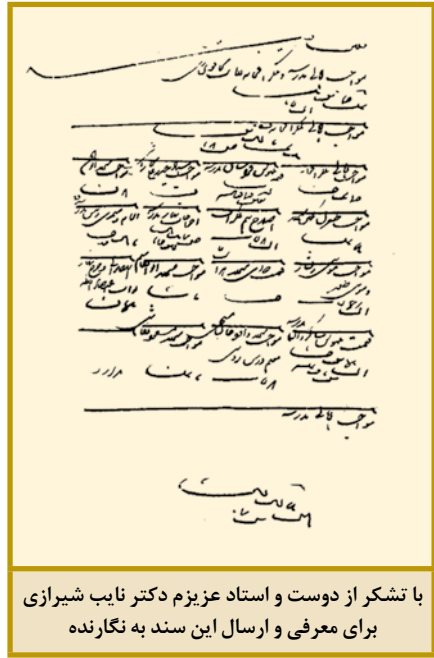
میرزا مسعود هم‌چنین مدتی در دهه ۱۲۹۰ ق، به‌عنوان خلیفه نقاشی در مدرسه دارالفنون فعالیت می‌کرد. نام او در سالنامه (۱۲۹۹ ق.) در کنار میرزا جعفر نقاش، به‌عنوان خلیفه نقاشی ثبت شده است.

او پس از فراگیری اصول نقاشی کلاسیک در دارالفنون، همانند استادش، سبک نقاشی کلاسیک اروپایی را دنبال نمود. چنانچه محمدعلی کریم‌زاده تبریزی در این زمینه، چنین نوشته است:

«مسعود غفاری... در رنگ و روغن و آبرنگ و سیاه‌قلم دست داشت و پیرو سبک کلاسیک بود.» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۱۴۸).

با آن‌که سوابق هنری و ترسیم تمام تابلوها و آثار میرزا مسعود به دهه ۱۲۹۰ ق، بازمی‌گردند؛ اما کریم‌زاده تبریزی و یحیی ذکاء قدیمی‌ترین تابلوی وی را به اشتباه در سال ۱۲۸۰ ق، گزارش داده‌اند. درحالی‌که اثری از تابلوهای میرزا مسعودخان در دهه ۱۲۸۰ ق. تاکنون مشاهده و گزارش نشده است. مشخصات تابلوی مزبور بدین قرار است:

«تصویر حضرت مسیح در اوان کودکی است که با بره زیبایی بازی می‌کند. حضرت مسیح کلاه خاردار و شاخه‌ای را به دست خود گرفته و بره را نوازش می‌دهد. این اثر زیبا که شاید کپی استادانه‌ای از کارهای اروپایی باشد، به خط فرانسه



با تشکر از دوست و استاد عزیزم دکتر نایب شیرازی برای معرفی و ارسال این سند به نگارنده



تابلوی میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک، مسعود غفاری، آرامگاه مستوفی واقع در ده و ننگ تهران

و فارسی رقم نهاده مسعود غفاری ۱۲۸۰ق.ا.» (کریمزاده تبریزی، همان: ۱۱۴۹)
(ذکاء، به کوشش دهباشی، ۱۳۷۸: ۵۰۸).

میرزا مسعود، در دهه ۱۲۹۰ق، مفتخر به لقب و خطاب‌خانی شد و فعالیت‌های جدی خود را چه در زمینه تصویرسازی چاپ سنگی، چه در زمینه نقاشی‌های رنگی و حتی تصویرسازی نسخ خطی از سر گرفت.

قدیمی‌ترین تصویرسازی چاپ سنگی میرزا مسعودخان، رساله یخچالیه است که در سال ۱۲۹۰ق. در کارخانه استاد علی‌قلی‌خان منتشر شد.

این رساله هزلیات که در حدود سال ۱۲۵۶ق، توسط تذهیب‌کار و شاعر اصفهانی دوره محمدشاه قاجار، محمدعلی مذهب بن ابوطالب اصفهانی متخلص به بهار و فرهنگ و متوفی بعد از سال ۱۲۶۸ق. نوشته شد، اثری انتقادی است که سال‌ها در مجامع ادبی ایران نقل مجالس و زینت محافل بود؛ تا این که سرانجام در دوره محمدشاه قاجار مدون، و در دوره ناصری منتشر گردید.

چاپ نخست این کتاب، حاوی شش تصویر چاپ سنگی است که رقم‌های آن به قرار:
رقم مسعود غفاری سنه ۱۲۹۰، رقم مسعود غفاری، عمل کم‌ترین مسعود غفاری، عمل کم‌ترین مسعود الغفاری و دو تصویر فاقد رقم است.

درباره اسلوب این تصاویر باید گفت که نقاش تلاش کرده است تصاویر این رساله را به شیوه‌ای کاریکاتورگونه و طنزآمیز ترسیم کند تا محتوای هزل‌آمیز و انتقادی رساله را منعکس نماید.



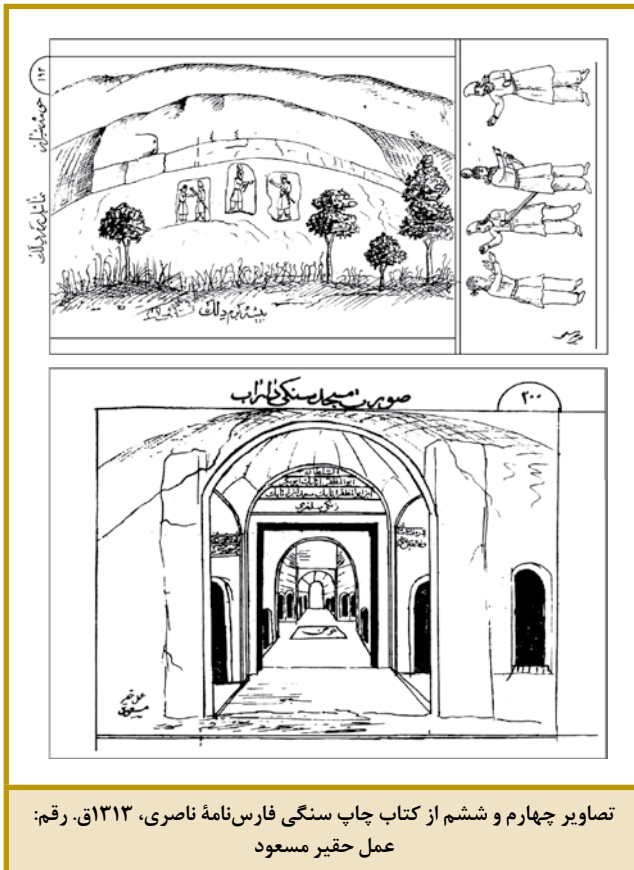
دو تصویر از رساله یخچالیه به رقم مسعود غفاری، ۱۲۹۰ق.

هم‌چنین در کتاب فارس‌نامه ناصری تألیف میرزا حسن فسائی که در سال ۱۳۱۳ق. در کارخانه سید مرتضی آقا به صورت چاپ سنگی منتشر شد، دو تصویر چاپ سنگی ضعیف با رقم: عمل حقیر مسعود مشاهده می‌شود.

قدما، از جمله یحیی ذکاء، بر این باور هستند که این تصاویر توسط میرزا مسعود غفاری انجام شده است؛ اما نگارنده با این نظر مخالف است؛ زیرا مسعود غفاری بیش از یک دهه

پیش از انتشار این کتاب وفات یافته است. به نظر می‌رسد که این دو تصویر توسط نقاش دیگری با همان نام مسعود ترسیم شده باشند.

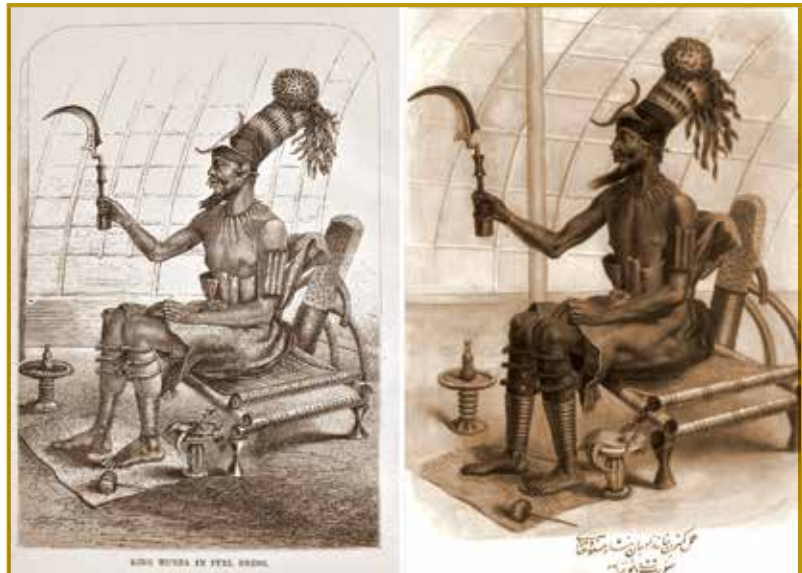
اما مهم‌ترین کتابی که میرزا مسعودخان تصویرسازی نموده است، کتاب خطی سه سال سیاحت مسیو دکتر ژرژ شونفورث در ممالک مرکزی آفریقا از سال ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۱ میلادی است که در سال‌های ۱۲۹۱-۱۲۹۲ق، از سوی پدرش ترجمه شد؛ اما هیچ‌گاه منتشر نگردید. دکتر ژرژ آگوست شونفورث، سیاح آلمانی قرن نوزدهم، در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۸۳۶م، متولد شد و در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۲۵م، چشم از جهان فرو بست. وی چند بار به قاره آفریقا سفر کرد و چندین سفرنامه از خود به یادگار گذاشت که مهم‌ترین آن‌ها، کتاب مرکز آفریقا (سفرنامه و ماجراهای مناطق رو به رشد آفریقای مرکزی ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۱م.^۲ است.



تصاویر چهارم و ششم از کتاب چاپ سنگی فارس‌نامه ناصری، ۱۳۱۳ق. رقم: عمل حقیر مسعود

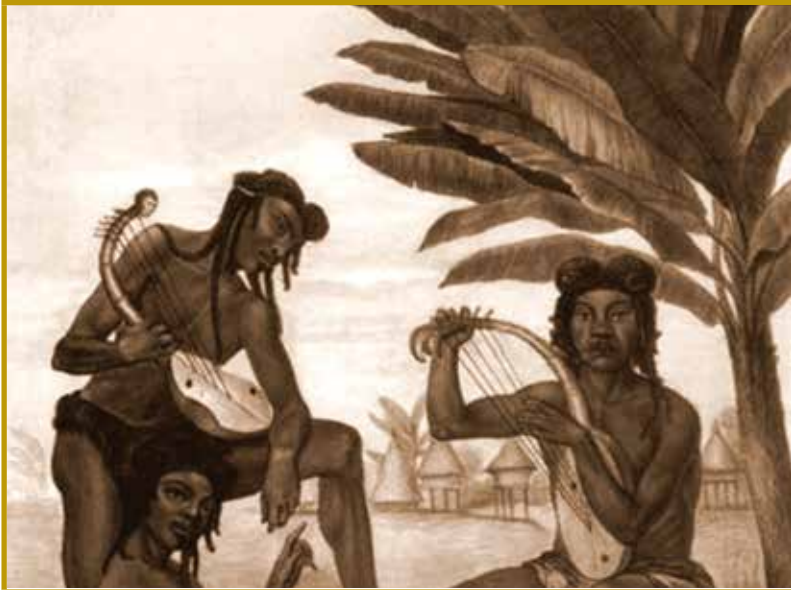
1. Dr Georg August Schweinfurth
2. German edition: (Im Herzen von Afrika reisen und entdeckungen im centralen Aequatorial -Afrika Während der jahre 1868 bis 1871, Leipzig, F.A.Brockhaus, 1874).

این سفرنامه برای نخستین بار در سال ۱۸۷۳م، توسط الن. ای. فرور به زبان انگلیسی ترجمه شد و در دو جلد مصور در لندن منتشر گردید^۱ سپس در سال ۱۸۷۴م، مجدداً در دو جلد در نیویورک به زبان انگلیسی انتشار یافت.^۲ همچنین، این کتاب در همان سال به زبان آلمانی به صورت چاپ سربی با تصاویر سیاه و سفید در انتشارات لایپزیگ منتشر شد. در سال ۱۸۷۵، نیز برای نخستین بار به زبان فرانسه، با تصاویر متفاوت از چاپ قبلی، در دو جلد در پاریس به چاپ رسید^۳ که تصاویر این کتاب نیز به صورت سیاه و سفید بودند. لازم به ذکر است که بسیاری از تصاویر این کتاب نیز در نشریه ژورنال جغرافی^۴ (جلد ۱ و ۲، از شماره ۱ به بعد) منتشر شد. نقاش این تصاویر فردریک لاگو ایلمی^۵ (۱۸۴۱-۱۹۳۴م.)، دیوژن مالارد^۶ (۱۸۴۰-۱۹۲۶م.) و آدرین ماری^۷ (۱۸۴۸-۱۸۹۱م.) و دیگران بوده‌اند.



مقایسه تصویر شاه موز در نسخه انگلیسی و نسخه خطی به قلم میرزا مسعود غفاری (۱۳۹۲ق.).

1. English translation: (The Heart of Africa. Three years' travels and adventures in the unexplored regions of Central Africa from 1868 to 1871, Translated by Ellen. E. Frewer, London, 1873).
2. English edition: (The Heart of Africa; or, Three Years' Travels and Adventures in the Unexplored Regions of the Centre of Africa From 1868 to 1871, With an Introduction by Winwood Reade, Two volume, New York, Harper & Brothers, 1874).
3. France edition: (Au Coeur de l'Afrique, Voyages et Découvertes dans les régions inexplorées de l'Afrique centrale, paris, 2 Tome, 1875).
4. Journal of Geography, Travel & Costumes, 2 Volume, 1875.
5. Frederic Laguillermie
6. Diogenemaillard
7. Adrien Marie



تصویر صورت چنگیان طایفه نیام نیام، عمل کمترین خانه زاد جان نثار مسعود غفاری (۱۲۹۲ق.)



مقایسه تصویر اصلی صورت چنگیان طایفه نیام نیام و نسخه خطی عمل کمترین خانه زاد جان نثار مسعود غفاری (۱۲۹۲ق.)

میرزا مسعودخان
علاوه بر تصویرسازی
کتاب‌ها، تابلوهای
بسیاری نیز با
سبک‌های مختلف
ترسیم کرده است

پدر مسعودخان غفاری، میرزا محمدرضا غفاری، جلدهای نخست و دوم این کتاب را در همان سالی که تازه در فرانسه منتشر شده بود، در تاریخ ۱۲۹۲ق. (۱۸۷۵م) به زبان فارسی ترجمه کرد. مأخذ ترجمه وی به‌طور قطع همان چاپ پاریس بوده است.

نسخه خطی و کتابت‌شده جلد نخست این کتاب که امروزه به شماره (۷۸۸) در کتابخانه کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود، شامل ۳۲۱ صفحه چهارده سطری است که در تاریخ شوال ۱۲۹۱ق. توسط میرزا موسی کاشانی منشی کتابت شده است.

در سیزده صفحه این نسخه، هجده تصویر نقاشی با تکنیک آبرنگ با امضای میرزا مسعود غفاری کاشانی انجام شده است.

جلد دوم این کتاب خطی که امروزه به شماره (۹۹۹۷) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، شامل ۱۷۶ صفحه است و توسط محمدالحاجی عبدالصمد و کیل و شریک آقا سیدمحمد احمدآقا کتابت شده است.

در این نسخه، دوازده تصویر رنگی وجود دارد که توسط میرزا مسعودخان غفاری ترسیم شده‌اند. این تصاویر، همان‌هایی هستند که در چاپ‌های انگلیسی و فرانسوی کتاب به کار رفته‌اند. میرزا مسعودخان آن‌ها را ابتدا از روی تصاویر سیاه و سفید کتاب اصلی مثنی برداری کرده و سپس با آبرنگ، رنگ‌آمیزی کرده است.

گفتنی است که تمامی تصاویری که میرزا مسعودخان برای تصویرسازی این دو جلد کتاب ترسیم کرده، با تکنیک آبرنگ است و به صورت مثنی برداری انجام شده و دقیقاً هم‌اندازه تصاویر اصلی کتاب فرانسوی هستند.

میرزا مسعودخان علاوه بر تصویرسازی کتاب‌ها، تابلوهای بسیاری نیز با سبک‌های مختلف، مانند مردم‌نگاری، مثنی برداری، شمایل‌نگاری، منظره‌نگاری و برهنه‌نمایی ترسیم کرده است، اما متأسفانه امروزه دسترسی به بیشتر آن‌ها ممکن نیست.



تابلوی رنگ‌روغنی دو نفر شطرنج‌باز، تهران، کاخ گلستان، رقم: عمل‌خانه‌زاد جان‌نثار مسعود ۱۲۹۸ق. [۱]

تابلوهایی از
میرزا مسعودخان
موجود است که
نشان دهندهٔ مهارت
و شناخت وی از
اصول نقاشی ایرانی
و فرنگی است

یحیی ذکاء آثار او را چنین ارزیابی نموده است:

«روی هم‌رفته از آثار این نقاش چنین پیداست که او یک نگارگر کپی‌ست بوده و از روی تصاویر و باسمه‌های اروپایی و آثار ایرانی نسخه‌برداری می‌کرده است و به همین سبب است که در میان هنرمندان ایرانی چندان شهرتی به دست نیاورد.» (ذکاء، همان: ۵۱۰).

درحالی‌که کریم‌زاده تبریزی برخلاف یحیی ذکاء معتقد است:

«این نقاش از روی طبیعت نیز نقاشی می‌کرد و در منظره‌سازی و مجلس بزمی و رزمی دست شیرین داشت.» (کریم‌زاده تبریزی، همان: ۱۱۴۸).

میرزا مسعودخان اگرچه در مثنی‌برداری مهارت داشت، اما تابلوهایی از او موجود است که نشان‌دهندهٔ مهارت و شناخت وی از اصول نقاشی ایرانی و فرنگی است. تابلو «دو نفر شطرنج باز» (۱۲۹۸ق.) از جمله تابلوهایی است که با مضمون مردم‌نگاری ایرانی است که مدت‌ها پیش از آثار مصورالملک و کمال‌الملک در زمینهٔ ایرانی‌سازی و مردم‌نگاری ترسیم شده است.

تابلوی «عمارت شهرستانک» (۱۲۹۶ق.) نیز از دیگر آثار وی است که مشابه آن را کمال‌الملک در سال ۱۳۰۴ق، ترسیم کرده است.

میرزا مسعودخان در دورهٔ ناصری، یکی از شخصیت‌های محترم و مغتنم‌خاندان غفاری بود و حتی در میان اقوام و هم‌صنفان نیز شخصیتی مقبول و مورد احترام محسوب می‌شد. در دورهٔ ناصری، که برخی از نقاش‌های قهوه‌خانه‌ای برای مبالغ و تن‌خواه خود به میرزا محمدخان اقبال‌الدوله غفاری اعتراض نمودند، اقبال‌الدوله برای رفع این اعتراضات از میرزا مسعودخان کمک گرفت، زیرا او نزد رجال خاندان غفاری از احترام ویژه‌ای برخوردار بود. در نامه‌ای بدون تاریخ، که از سوی اقبال‌الدوله به برادرش غلام‌حسین خان غفاری نوشته شده است، به گوشه‌ای از این موضوع اشاره شده است:

«نور چشم‌ها مهربانا. در صورتی که حالی داشته باشید رفتن درب‌خانه ضرری ندارد. سخن نقاش‌ها نامربوط است. خود آن‌ها صورتی به اطلاع نورچشمی میرزا مسعودخان نوشته و کار خودشان را چند نفر نقاش معین کردند. حال دبهٔ درآورده‌اند. همان صورت قلمدانی خودشان نزد مخدومی حاجی میرزا جواد ضبط است. آن صورت را بخواهید، کذب احوال آن‌ها واضح می‌شود.» (اصفهانیان و غفاری، ۱۳۹۴: ۳۲۶).

میرزا مسعودخان بنا بر قرائن موجود در دههٔ ۱۲۹۰ق، ازدواج کرد. طبق شجره‌نامهٔ خاندان غفاری، او پس از ازدواج، صاحب دختری شد که با موسی‌خان اعتبارالسلطنه وصلت نمود و از این ازدواج صاحب اولادی به نام سرهنگ رضا غفاری شد که مهندس و رئیس سابق ادارهٔ جغرافیای ارتش بوده است. (غفاری، ۱۳۵۳: ۲۳۶).

براساس نوشته‌های بهرام غفاری و کریم اصفهانیان، میرزا مسعود نقاش در جوانی

خودکشی کرده است؛ (اصفهانیان و غفاری، همان: ۳۲۶) اما صحت این موضوع به طور قطع روشن نشده است.

درباره تاریخ درگذشت میرزا مسعود نیز ناصرالدین شاه چنین گزارش داده است:
«یکشنبه ۱۵ ذیقعدة ۱۳۰۶ ق. میرزارضا پدر میرزا مسعودخان نقاش است که پدر و پسر مرده اند.» (رضوانی و قاضی‌ها، ۱۳۷۴: ۹۹).

اما در نسخه خطی خاطرات روزانه میرزا نظام‌الدین خان مهندس‌الممالک (۱۰ شعبان ۱۲۶۰ ق. - شب یکشنبه ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ ق.) تاریخ دقیق وفات میرزا مسعود غفاری را به دست آوردیم که بدین قرار است:

«دوشنبه ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ ق. / ۱۶ آوریل ۱۸۸۳ م. مذکور شد دیشب مسعودخان پسر عمو محمدرضا مرحوم شده است. هزار افسوس.»
به نظر می‌رسد که وی در زمان وفات کم‌تر از ۳۰ سال داشته است. یادش گرامی.

سند وفات میرزا مسعود غفاری در خاطرات خطی مهندس‌الممالک

فهرست تابلوها و آثار میرزا مسعودخان غفاری نقاش

- تابلوی غلام‌حسین غفاری (صاحب‌اختیار بعدی) نشسته روی صندلی، رقم: عمل کمترین مسعود غفاری کاشانی ۱۲۹۶ ق.]، مجموعه مرحوم فرخ غفاری.
- تابلوی رنگ‌روغنی میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک صدراعظم، رقم: مسعود غفاری، محفوظ در آرامگاه مستوفی‌الممالک واقع در ده ونک.
گفتنی است که ابوالحسن ثالث غفاری (یحیی غفاری) نیز دقیقاً مشابه همین تابلو، تابلویی رنگ‌روغنی با رقم: ابوالحسن ۱۳۰۱ ق.] دارد، که امروزه در نگارخانه کاخ گلستان محفوظ است.
- تابلوی حضرت مسیح (ع) در اوان کودکی، که در حال نوازش و بازی با بره‌ای است، احتمالاً مثنی برداری، رقم: لاتین و فارسی مسعود غفاری ۱۲۸۰ ق.]. (چنانچه پیش‌تر گفتیم تاریخ این تابلو اساساً غیرقابل قبول است).
- تابلوی رنگ‌روغنی عمارت شهرستانک، رقم: مسعود غفاری ۱۲۹۶ ق.]، کاخ گلستان به شماره (۸۱۶۳).

گفتنی است که مشابه همین تابلو را کمال‌الملک نیز در سال ۱۳۰۴ ق. ترسیم نموده است.

- تابلوی رنگی الفیه و شلفیه، بدون تاریخ، کاخ گلستان به شماره (۹۰۴۴).
 - تابلوی رنگ‌روغنی دختری زیبا (مثنی‌برداری از آثار اروپایی)، رقم: مسعود غفاری، بدون تاریخ.
 - تابلوی رنگ‌روغنی شمایل ناصرالدین‌شاه، بدون تاریخ، مجموعه مرحوم فرخ غفاری.
 - تابلوی آب‌رنگی از رقص مُمبقتو (از رؤسای سیاه‌پوست قبایل آفریقا در جوار همسرانش)، رقم: عمل‌کمترین‌خانه‌زاد جان‌نثار مسعود ۱۲۹۲ [ق.].
- این تابلو که به ناصرالدین‌شاه تقدیم شده و امروزه در کاخ گلستان محفوظ است، از جلد سوم کتاب روسی (ایستوریا چلووچستا) که به سال ۱۸۷۰ م. منتشر شده بود، مثنی‌برداری گردیده و با تکنیک آب‌رنگ ترسیم شده است.
- تابلوی رنگ‌روغنی حمله ترکمن‌ها به کاروانیان مشهد، رقم: «عمل‌کمترین‌خانه‌زاد جان‌نثار مسعود غفاری ۱۲۹۸ [ق.]»، تهران، سعدآباد، موزه هنرهای زیبا به شماره (۱۰۸۲).

این تابلو که یکی از زیباترین تابلوهای مسعود غفاری است، ابتدا در حوض‌خانه حاج مخبرالسلطنه هدایت در ده روس محفوظ بود که بعد به تصرف خانواده محلاتی درآمد. این تابلو مجدداً در سال ۱۳۵۶ خ. از سوی یحیی ذکاء از گالری مرحوم شاهرخ‌شاهی برای موزه هنرهای زیبای سعدآباد خریداری شد.



- تابلوی رنگ‌روغنی منظره چشمه لار، ۱۲۹۸ [ق.ا.]. کاخ گلستان.
- تابلوی رنگ‌روغنی دو نفر شطرنج‌بازی، رقم: عمل‌خانه‌زاد جان‌نثار مسعود ۱۲۹۸ [ق.ا.]. کاخ گلستان.
- تابلوی رنگ‌روغنی پلاس پلور، ۱۲۹۸ [ق.ا.]. کاخ گلستان.
- تابلوی پرداز از صورت جوانی با کلاه و کت آبی، ۱۲۹۶ [ق.ا.].
- تصویرسازی هجده قطعه نقاشی آب‌رنگ در جلد نخست کتاب سه سال سیاحت مسیو دکتر ژرژ شونفور در ممالک مرکزی افریقا از سنه ۱۸۶۸ الی سنه ۱۸۷۱ مسیحی، ترجمه کمترین جان‌نثار رضای مترجم غفاری کاشانی و مصور شد به عمل خانه‌زاد درگاه جهان‌پناه مسعود غفاری کاشانی، ۱۲۹۱ [ق.ا.]. کتاب‌خانه کاخ گلستان تهران به شماره (۷۸۸).
- تصویرسازی دوازده قطعه نقاشی آب‌رنگ در کتاب سه سال سیاحت مسیو دکتر ژرژ شونفور در ممالک مرکزی افریقا از سنه ۱۸۶۸ الی سنه ۱۸۷۱ مسیحی، ترجمه کمترین جان‌نثار رضای مترجم غفاری کاشانی و مصور شد به عمل‌خانه‌زاد درگاه جهان‌پناه مسعود غفاری کاشانی، ۱۲۹۲ [ق.ا.]. کتاب‌خانه مجلس به شماره (۹۹۹۷).
- تصویرسازی چاپ سنگی رساله یخچالیه، تهران، کارخانه استاد علی‌قلی‌خان، ۱۲۹۰ ق.

این کتاب حاوی شش تصویر است؛ چهار تصویر دارای رقم و دو تصویر بدون رقم هستند.

- تابلوی شمایل‌نگاری از یکی از رجال جوان قاجار. (این تابلو را دوست عزیزم کیانوش معتقدی در تاریخ جمعه ۱۴ مهر ۱۴۰۲ خ. در مراسم رونمایی از کتاب حکایت‌های کوچک اثر عمادالسلطنه سالور به نگارنده معرفی نمود.)

نتیجه‌گیری

میرزا مسعود غفاری از نقاشان شیرین‌قلم و پُرکار ایران در دوره ناصری است که متأسفانه در آغاز اشتهار پیاله عمرش سرازیر گردید و در جوانی بدورد حیات گفت. او که از نقاشان مهجور و مغفول‌خاندان غفاری به‌شمار می‌رود، در دوره جوانی از این شانس برخوردار بود که برای مدتی در مدرسه دارالفنون به تحصیل رشته نقاشی بپردازد و توانایی‌هایش در بین سایر هم‌سنانش به‌حدی مشهود بود که برای مدتی به‌عنوان خلیفه رشته نقاشی نیز گماشته شد. مسعود غفاری اگر چه با تکنیک‌های مختلف در نقاشی طبع‌آزمایی نموده است؛ اما بیش‌ترین گرایش او به نقاشی با تکنیک رنگ‌روغن می‌باشد و از آثارش پیداست که به نقاشی‌های ملل مختلف با اسلوب طبیعی‌نگاری و کلاسیک علاقه زیادی داشته است.

آثاری که او در زمینه مردم‌نگاری و منظره‌نگاری خلق کرده است، به‌واقع تلفیقی از نقاشی ایرانی (به‌شیوه صنایع‌الملک) و آکادمیک غربی (تحت نظر مزین‌الدوله) است که پیش از ظهور نقاشانی چون کمال‌الملک در تاریخ نقاشی ایران پدید آمده است. در مجموع سبک و ساختار کلی نقاشی‌های مسعود غفاری به نخستین دوره نقاشی‌های آکادمی‌گرایی در ایران (دهه ۱۲۹۰ و دهه ۱۳۰۰ ق.) مربوط می‌شود که نقاشان در صدد شناخت روزافزون نقاشی‌های کلاسیک اروپایی و فاصله‌گیری از ساختار نقاشی‌های ایرانی بودند. به همین دلیل سبک و سیاق آثار مسعود غفاری از این حیث با دیگر نقاشان هم‌عصرش همانند میرزا مهدی‌خان مصورالملک، ابوتراب غفاری، کمال‌الملک، موسی ممیز شباهت و قرابت زیادی دارد.

سبک و ساختار کلی نقاشی‌های مسعود غفاری به نخستین دوره نقاشی‌های آکادمی‌گرایی در ایران مربوط می‌شود

منابع

۱. اصفهانیان، کریم و بهرام غفاری (۱۳۹۴)، اسناد تاریخی خاندان غفاری، جلد ۵، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
۲. افشار، ایرج، (به کوشش) (۱۳۰۵)، خاطرات اعتمادالسلطنه، تهران: امیرکبیر.
۳. امین‌الدوله کاشی، فرخ‌خان، (۱۳۷۳)، مخزن الوقایع، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳ خ، ص ۴۲۹.
۴. ذکاء، یحیی، به کوشش علی دهباشی (۱۳۷۸)، «نگارگران خاندان غفاری» مندرج در یانامه کمال‌الملک، تهران: نشر به‌دید.
۵. روزنامه مریخ، نمره ۱۸، چهارشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۷ ق.
۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۹۸، پنج‌شنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۹ ق.
۷. رضوانی، محمداسماعیل و فاطمه قاضی‌ها (۱۳۷۴)، خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب دوم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
۸. غفاری، فرخ (۱۳۵۳)، «خاندان غفاری کاشانی»، مجله فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۰، تهران.
۹. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۰)، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۳، لندن: ۱۳۷۰.
۱۰. محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۴۴)، «دومین کاروان معرفت»، مجله یغما، بهمن‌ماه، ش ۲۱۱.
۱۱. میرمحمدصادق، سید سعید، (به کوشش) (۱۳۸۳)، مجیرالدوله، میرزا محمدعلی‌خان: طایفه شیبانی کاشان، گنجینه بهارستان، دفتر اول، تهران: مجلس.